

تاریخ ۱۱/۰۳/۲۰۰۸

لیکوال: همراه - همگام

## وضعیت رسانه ها در بیرون از کشور



هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر.

آزادی بیان، یکی از ارکان اساسی دموکراسی بوده و در جوامع مبتنی بر رژیم های دموکراتیک، برخوردار بودن از حق آزادی بیان به مثابه حق مسلم فرد و جمع به شمار می آید. اختناق و حکومت دیکتاتوری، نه تنها به آزادی بیان ارجی نمی گذارد بلکه مصرانه در جهت سرکوبی آن تلاش می ورزد. روز سوم می، به منزلهت ( روز جهانی آزادی رسانه های خبری) خوانده شده و این روز خجسته که بدان (روز جهانی آزادی بیان) نیز نام میدهند، نماد آزادی دوستی و آزادیخواهی آزاد اندیشان بوده و بزرگداشت از آن، ارج گذاری به کارویکار مدافعان آزادی بیان در طول تاریخ می باشد.

از عمر تسمیه این روز خجسته هنوز یک و نیم دهه نمی گذرد، اما در طی همین دوره کوتاه، از این روز در تمام کشورهای جهان بوسیله نیروها، جریانات، و حکومت دموکرات تجلیل به عمل می آید. این امر، خود تداعی کننده آنست که آزادیخواهان سراسر جهان، پیگیرانه در جهت دفاع و اشاعه آزادی بیان می کوشند، هر جائیکه ندای آزادیخواهی بلند شود، پشت مستبدي به لرزه می افتد و هر جا که قلمی به دفاع از آزادی بیان به روشنگری پردازد، طلسم اختناق و خنثی نویسی می شکند.

در بیرون از کشور وضعیت رسانه های صوتی، تصویری و چاپی نیز مشکلات و گفتنی های معین خود را دارد. طی این شش سال گذشته افغانان بیشتر به اینترنت راه پیدا کرده اند. هر کس با هر اندیشه، تفکر و تخیل باره اندازی وب سایت و وبلاگ و یا بانشر نوشته ها و درد دل خویش به وب سایت و بلاگ دیگران و بخصوص همفکرانش توانستند گفتنی ها، عقده مندی و تخیلات اش را به شکل از اشکال انعکاس بدهند.

هر نشریه اینترنتی با طرز تفکر و اندیشه خاص خویش در مسیری روان است. ناگفته نباید گذاشت درین بازار آشفته و تنور گرم، نشریه های خوب و غنی اینترنتی هم داریم که مسولین و نویسندگان آن با تلاشهای صداقتمندان، خالصانه و صادقانه با خاطر رشد فرهنگ کشور در تلاش اند تا بتوانند خدمات شایسته و قابل قبولی را انجام بدهند. این نشریه ها از یکطرف با دعوت از نویسندگان، شعرا و فرهنگیان کشور، بانوشتن مقاله های تحلیلی و علمی در راه شگوفانی ادب و فرهنگ وطن و از جانب دیگر با انتخاب و گردآوری مطالب علمی، فرهنگی و خانوادگی کوشش نموده اند تا نشریه های مربوط شانرا به آرشیف بزرگ فرهنگی و ادبی مبدل نمایند تا نسلهای بعدی بدون سرگردانی و تلف شدن وقت بتوانند به راحتی از آن استفاده سودمند نموده و از تاریخ و فرهنگ گذشته کشورشان معلومات لازم بدست آورند.

اما با دریغ و درد تعداد دیگری از این نشریه ها با وابستگی های معین، با طرز تفکر خاص، با حقارت و وعده مندی های بیمارگونه و با حمایت افراد معلوم الحال در پی تخریب، تحقیر و توهین ملت و شخصیت های ملی کمر بسته اند. این نشریه ها هر آنچی که وجدان بیمار و خامه ناپخته شان اجازه میدهد به این آدرس و آن آدرس رکیک ترین دشنام، فحش و ناسزا را روامیدارند و درین بازار جنگ و جفنگ از مسایل شخصی تا موضوعات سیاسی و تنظیمی و خانوادگی مطرح و در مقابل دید خوانندگان قرار میگیرد. این نشریه ها با گذشت هر روز درین مسیر غیر اخلاقی بیشتر از گذشته تند تر از قبل به دشنام گویی و عیب چینی مصروف اند.

همچنان شبکه هاي تصويري که به زبان هاي دري و پشتو توسط افغانان اداره و مدیریت میشوند خیلی اندک و ناچیز است. باین اندک بودن اگر در مسیر خدمت به میهن و هم میهنانش صادقانه و شریفانه گام بردارند باز هم جای هیچگونه تشویش و نگرانی نیست و می توانند در راه وحدت ملی و انسجام کتلویی خدمات ارزشمندی را انجام بدهند. تعداد این شبکه ها با استفاده از آزادی های که در کشورهای غربی و بخصوص در ایالات متحده آمریکا وجود دارد چنان مصروف تخریب، توهین، تحقیر و سرزنش است که ازین طریق میخواهند به تاج و تخت فرعون و گنج قارونی دست پیدا کنند.

همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان به دنیا می آیند و دارای موهبت خرد و وجدان میباشند و با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند. اعلامیه جهانی حقوق بشر.

حضرت حافظ میفرماید:

ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم  
 جامه کس سیه و دلخ خود ارزق نکنیم  
 (ما به بد گوئی و نکوهش کسی نمی پردازیم و گرایشی به باطل و ناصواب نداریم. جامه تقوای هیچکس را به رنگ گناه تیره نمی سازیم و پشمینه خود را کیود رنگ نمی کنیم تا خود را در لباس صوفی نمایان به خلق خدا نشان دهیم.)  
 عیب درویش و توانگر بکم و بیش بد است  
 کاربرد مصلحت آن است که مطلق نکنیم  
 (فقیر را به سبب تنگدستی مزمت کردن و غنی را به مالداري نکوهیدن ناپسند است صلاح آن است که کار زشت و ناروا را مطلقاً از ما سر نزنند.)  
 رقم مغلظه بر دفتر دانش نزنیم  
 سر حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم  
 (بر کتاب علم نشان غلط بودن نکشیم و سفسطه نکنیم و راز حقیقت را در ورقهای نیرنگ و افسون پنهان نداریم و در هم نیامیزیم.)  
 شاه اگر جرعه رندان نه به حرمت نوشد  
 التفاتش به می صافی مروق نکنیم  
 (اگر بزرگی ته جرعه ای از جام قلندران را به احترام نوش نکند ما هم به باده روشن پالوده او اعتنا نمی کنیم.)  
 خوش برانیم جهان در نظر راه روان  
 فکر اسب سیه و زین مغرق نکنیم  
 (در پناه عنایت و حسن نظر سالکان راه حق زندگی را دور از غم می گذرانیم و در اندیشه تجمل نیستیم و اسب گرانبها و کمیاب سیاه رنگ و زین به سیم آراسته و نقره کوب نمی خواهیم.)  
 آسمان کشتی ارباب هنر می شکند  
 تکیه آن به که برین بحر معلق نکنیم  
 (امواج فلک کشتی وجود هنرمندان را خورد می کند مصلحت آن است که بر دریای سرنگون سپهر اعتمادی نداشته باشیم.)  
 گر بدی گفت حسودی و رفیقي رنجید  
 گو تو خوش باش که ما گوش به احمق نکنیم  
 (اگر حسودی به رفیق ما تهمت زد و خاطرش را آزرده به دوست ما بگو دل قوی دار که رفیقان تو سخن رشکناک نادان را نمی پذیرند و بدان گوش فرا نمی دهند.)  
 حافظ ار خصم خطا گفت نگیریم برو  
 ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم  
 (ای حافظ اگر دشمن غلط گفت و اعتراضی ناروا کرد وی را مواخذه نمی کنیم و اگر راست گفت چون جاهلان با حقیقت به ستیزه و مجادله بر نمی خیزیم.)  
 این دوستان باید بدانند، آزادی بیان به این مفهوم نیست هر آنچی که میخواهی باید بگویی و هراتهام که میخواهی به هرکسی ببندی. اگر هر شخص، گروه و احزابی خیانت و جنایتی انجام داده اند خود از اعمال که انجام داده است به پیشگاه ملت و با تأمین حاکمیت ملی و قانونیت سرتاسری ناگذیر به جواب دهی خواهد بود.  
 در قوانین ملی و بین المللی باصراحت گفته شده: هر مجرمی تافیه صله محکمه بی گناه شناخته میشود.  
 و هیچکسی را نمیتوان مجرم شناخت مگر به اساس فیصله محکمه.

باندوه فراوان چه چیز نیست که از طریق نشرات این شبکه ها دیده و شنیده نمیشود. روزی را بخاطر دارم که مسوول یکی از شبکه تلویزیونی باصراحت اعلام داشت هر قدر توجه میکنم به آدرس کرزی (ریس جمهور افغانستان) چیزی نگویم اما چه کنم که عادت شده، باید بگویم.

آیا در کجای دنیا سابقه دارد که شخصیت های ملی و بین المللی تالین اندازه ظالمانه و کینه توزانه مورد قهر و خشم یک مشت افراد که نه هدف معین دارند و نه اندیشه مشخص و بدون در نظر داشت عفت کلام مورد قهر و غضب قرار بگیرند. کشورهای غربی اگر گاهی حرف های مستند و انتقادات داخل چوکات به آدرس مسوولین دولتی خویش میگویند - آنان در جامعه مرفع و در حاکمیت سراسری و در یک تمدن بالایی زندگی دارند و در جامعه خویش کمترین مشکلی دارند. افغانستانی که بعد از سه دهه ویرانی و بربادی از بین خرابه ها و بی قانونی قد بر افراشته مشکلات ناگذیری های خاص خویش را دارد. امکان ندارد که ریس جمهور کرزی و مسوولین بلند پایه دولتی بتوانند راه بیست ساله را به یک شب طی کنند. کشور چنان در هم و برهم و زخمی و خونین است که به مواظبت طولانی و دلسوزانه همه افراد وطن نیاز دارد. مسوولین دولتی با بیست میلیون گرسنه و حدود پنج میلیون آواره سروکار دارند، بیاید این سوال را از خود بپرسیم آیا امکان دارد دولت نو بنیاد، کشور ویران و اقتصاد ورشکسته و هنوز که هنوز است جنگ کشتار و بزن و بکش ادامه دارد میتواند از عهده این همه مشکلات به یکبارگی بیرون شود؟ ( وجدان محکمه است که احتیاج به قاضی ندارد.)

باری پای تماشای برنامه یک ساعته یکی از متصدیان تلویزیون نشسته بودم که وی با عصبانیت از آقای کرزی سوال کردند، چرا نمیخواهید به مردم افغانستان سوسیال (ویلفیر) بدهید تا مردم از این وضعیت فلاکت بار نجات پیدا نماید؟

با خود گفتم که این مسوولین و متصدیان نازنین در خانه گرم و در دفتر نرم و با پس انداز های فراوان بانکی و با درآمد های دالری از اینجا اوضاع نابسمان کشور را به تحلیل و تجزیه می نشینند و به دولت هدایت میدهد که به ملت معاش ماهوار بدهد.

از جانب دیگر تعداد این شبکه ها اشخاص و افراد بخصوص و مشخص خود را دارند که پیرامون اوضاع سیاسی کشور با بررسی های گوناگون از کشورهای غربی به وطنش رهبر، قانون و خط و مشی سیاسی تعیین مینمایند. بارها و بارها شنوندگان این شبکه ها وسیله تلفون ازین ها تقاضا نموده اند که دیگر آن زمان گذشته است که مسوولین دولتی و لشکری و خط و مشی سیاسی کشور از بیرون تمیل گردد. اگر به سر نوشت کشور و مردم کشور علاقه دارید لطفاً غرض انسجام ملی و رستخیز عمومی در داخل کشور تشریف ببرید. اما زیاد اتفاق افتاده که موضوع به رکیک ترین دشنامها و ناسزاگویی ها کشیده شده و تلفون شنوینده با عصبانیت قطع گردیده است.

این ها از یک جانب از آزادی بیان دادمیزنند و از جانب دیگر آنانیکه حقیقت میگویند و واقعیت را به گوش شان میرسانند مجال سخن گفتن نمیابند.

روزی در برنامه خانه و خانواده یکی از شبکه های تلویزیونی - شخصی تلفون کشید و از متصدی برنامه احترامانه و دوستانه خواهش نمود که این همه دشنام و ناسزا که از طریق شبکه تلویزیونی شما به خورد شنوندگان داده میشود باعث آبروریزی کشور و فاسد شدن اخلاق فامیلی ما میگردد لطفاً اگر امکان داشته باشد شما به مثابه گرداننده برنامه خانه و خانواده ازین عمل زشت جلوگیری نماید؟ ولی متصدی برنامه بدون درنگ گفت: تلویزیون های تانرا خاموش و برنامه را تماشا نکنید.

«اگر از برنامه های تلویزیونی خوشتان نمی آید، آن را خاموش کنید.»

راه حل ساده انگارانه فوق الذکر، طوری ارائه می گردد که گویی برگ برنده استدلال را در مباحث بی شماری درباره تأثیرات برنامه های تلویزیونی به دست آورده است. این نصیحت شبیه به این است که گفته شود: «اگر شما از آلودگی هوا ناراحت می شوید، نفس نکشید.» آن هابی که کلید روشن و خاموش را تبلیغ می کنند، این واقعیت ساده را نادیده می انگارند که سرگرمی های تلویزیونی عامه پسند، شرایط فرهنگی را که همه ما در آن زندگی می کنیم، شکل می دهد. ایده ها دارای قدرند، لغات و تصاویر حاوی پیامدها و نتایج هستند.

ولی اکثر به این نتیجه و باور رسیده اند که در عقب این همه تاخت و تاز ها، دشنامها و ناسزاگویی ها و هرج و مرج ها دستهای پنهانی وجود دارد تا ملت را بجان هم انداخته و به قول معروف از آب گل الود ماهی بگیرند. اگر چنین نیست چرا کشور میزبان خلاف تمام نورم های آزادی بیان، حقوق و کرامت انسانی و شیوه های ژورنالیستی جلوا این همه رنگ و نیرنگ را نمیگیرد؟

این متصدیان و برنامه سازان باید بدانند که شخصیت انسان از هرگونه تجاوز و تعرض مصوون است. آزادی بیان این نیست که مسوولین دولتی و شخصیت های ملی مورد تحقیر و توهین مغرضانه و کژ اندیشه قرار بگیرند و کسی هم نیست که بگوید بالایی چشمت ابرو است. معلوم نیست که این وضعیت تا چه وقت ادامه دارد؟

در طی سه دهه جنگ خانمانسوز حدود دوتاسه میلیون شهید، زخمی و معلول داده ایم ولی هنوز دل این جنابان یخ نکرده است. اگر قرار باشد تعدادی را بخاطر اعمال ظالمانه ی بیش از نیم قرن قبل، تعدادی را به جرم کمونیست بودن، تعدادی

ر اېنډام جنگ سالارون تفنگدار، تعدادي ديگر را به اتهام ملا و طالب بودن و فردا تعداد ديگر را به اتهام وابستگي و قتل و خونريزي پاي دادگاه و محاکم بگشانيم، پس بايد چند ميليون ديگر نيز قرباني بدهيم زيرا هرکس به نوبه خود، عمل خورديويا بزرگي را انجام داده است.

درين ميان خوشبختانه شبکه هاي نيز وجود دارد که خالصانه و رضاکارانه بخاطر التهاب دردهاي بي پايان ملت تلاش دارند تابوتانند غم، درد، کدورت، بي وطني، مهاجرت، مصيبت و تنهائي را از دل هم وطنانش بيرون نموده و گل لبخند را به لبهاي وطندارانش بکارند. اين شبکه هاي تصويري بارسالت و وطنپرستانه و باوجيبيه ملي در برنامه هاي نشراتي اش از هرگونه تفرقه اندازي، کژانديشي و نفاق افگني دوري بسته و در راه غنامندي فرهنگي و هنري ميهنش جنوجهد شباروزي مينمايند.

## مروري بر نشرات تلويزيون نور



(تصويرها از راست به چپ يما يوسفزي موسس وريس تلويزيون و تصويردوم دايرکتر منيجري تلويزيون نور)

در پنج قاره جهان انسان سفيد، سپاه، زرد، دانشمند، بي سواد، زن، مرد، اطفال، فقير و غني و... پاي تصوير تلويزيون مينشينند، تلويزيون يعني تصوير خانگي براي انسان امروز، اما اين تصاوير چه چيز ارائه مي کنند، از چه چيز صحبت مي کنند، چگونه رواها را باز مي کنند، وقايع را چطور مي نمايند؟ چه رواهاي، چه وقايعي؟ در اينکه يك رسانه خوب چه خصوصياتي دارد و يا خوب بودن يك رسانه به لحاظ كيفيت تابع چه عوامل است، ايده هاي زيادي وجود دارد. بسياري معتقدند يك رسانه زماني موفق عمل مي کند که مخاطب عام پيدا کند. به عبارت ديگر برنامه هاي آن رسانه فقط براي قشري خاص ساخته نشود.

رسانه خوب از ديد بسياري از تحليلگران به دو گروه متفاوت قرار مي گيرد. دانشمندان بر اين باورند که رسانه مي تواند در يك سطح ايده آل حرکت کند که برنامه هايش را بر اساس نيازهاي جامعه تدوين کند. آن هم در تمام رده هاي سني و علمي. يعني يك کودک زماني که از رسانه بي چون تلويزيون استفاده مي کند، همانقدر لذت و آگاهي بدست آورد که يك پژوهشگر از ديدن برنامه هاي علمي. بالطبع يك پژوهشگر تحصيل کرده به لحاظ درک و شناخت مسائل پيرامون خود از کودکي فزايي است اما مي بينيم که در اين مثال يك نکته اساسي لحاظ شده است و آن لذت بردن و کسب آگاهي از يك رسانه است که به زعم کارشناسان، از اساسي ترين مسائل يك رسانه ايده آل است. شادي و شاد بودن و شاد زيستن در دنياي جديد کنوني، يکي از آرزو هاي دست نيافتني به شمار مي رود. اگر چه بسياري خود را شاد مي دانند اما اگر به مراحل کار و زندگي روزانه آنها نگاهی کنيم مي بينيم آن شادي، رنگ و واقعيت ندارد. اما والت ديسني به عنوان نخستين کمپني سازنده تصاوير محرک و انيميشن ايده آل، اين درس را به رسانه ها داد که داشتن ارتباط متقابل با مردم تنها در سايه درک نيازها و خواسته هاي آنها است. نه در پناه ساخت و يا نوشتن متني که عده بي خاص از آن لذت ببرند. مردم در هر جامعه بي صاحب يك بينش هستند. اين بينش به آنها اين امکان را مي دهد که بهترين قاضي براي انتخاب برنامه ها و مطالب يك نشريه و روزنامه باشند. بنا بر اين اگر ديده مي شود رسانه بي بيشترين مخاطب را به خود اختصاص مي دهد مي توانيم به دور از قوانين کلاسيک و مدرن ارتباطات به آن لقب رسانه برتر دهيم. برخي معتقدند که مطبوعات ذاتاً بر هياهو، جنجالي و احساس برانگيزند، اما حقيقت اين است که در بسياري موارد آنها را بي صدا، خنثي و محافظه کار مي يابيم. شايد بدين سبب که کنارگيري زيرکانه از برخي وقايع، خوبتر از جنجالي عمل کردن است. چه بسيار ماجراهاي هيجان انگيزي که - برخلاف حوادث معمولي اما جنجالي شده - کمتر به آنها توجه

می‌شود و چه بسیار رخدادهایی که نه تنها جزئیات اصلی بلکه همه ماجرا نادیده گرفته می‌شود، حتی آنهایی که اهمیت‌شان انکارناپذیر است.

یکی از این شبکه‌های ملی و وطنی تلویزیون نور است - باندک مدتی که از عمر نشراتی اش می‌گذرد با پیشکش نمودن برنامه‌های جالب ادبی، هنری و فرهنگی جای ویژه‌ی در بین افغانان دارد. این نشریه صوتی و تصویری به ابتکار و رهنمودهای جوان پرتلاش و بااساس (یمایوسفزی) توانست در اندک مدت مهمان دایمی هر خانه و محبوب هر قلبی گردد. تلویزیون نور با بهترین متصدیان، برنامه‌سازان و گویندگان در هر خانه و خانواده‌ای راه پیدا نموده است و باگذشت هر روز از حمایت بی دریغ افغانان برخوردار می‌شود.

اینهم زندگی‌نامه موسس تلویزیون نور (یمایوسفزی) با اصل امانت داری به انگلیسی:

#### Yama Yousefzai's Biography:

Yama Yousefzai is the CEO and President of the acclaimed Noor TV Afghan television station based out of Hayward, California. Born in Kabul, Afghanistan, Yousefzai spent his early childhood experiencing and adapting to the rich culture of his native land. However, like millions of other Afghans, Yousefzai and his family were forced to flee their homeland after the Soviet invasion of Afghanistan. They lived in Peshawar, Pakistan for approximately 6 years, until finally settling permanently in California in 1988. After successfully completing his secondary education, Yousefzai enrolled in the University of California, Irvine, where he earned a B.A. in Psychology and Cognitive Science. Yousefzai remained close to his Afghan roots by becoming the President of UCI's Afghan Club, where he actively participated in events and causes to help his native homeland of Afghanistan. His pursuit of education landed him in Thomas Jefferson's School of Law, where he worked as an assistant to a Public Defender. However, his true passion lay with his homeland, and after a year of attending law school, Yousefzai decided to drop out of law school and instead pursue his life long aspiration of establishing a connection with Afghanistan and the thousands of Afghans living in the United States. For the next year of his life, Yousefzai, alongside his three brothers, dedicated himself to achieving this lifelong dream. On August 1, 2007, Yousefzai's dream became a reality when Noor TV first appeared on television screens. Noor TV became the first Afghan satellite television station to be broadcast out of Northern California and today, has quickly become one of the most popular Afghan satellite television stations available.

افکار و ایده‌ها زمانی در جامعه رواج داده می‌شوند که با زندگی شخصیت‌های تلویزیونی در آمیخته شوند. مردم در هر جامعه‌ی صاحب‌بیک‌بینش هستند. این بینش به آنها این امکان را می‌دهد که بهترین قاضی برای انتخاب برنامه‌ها و مطالب‌یک‌نشریه باشند. بنابراین اگر دیده می‌شود رسانه‌ی بیشتری مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد می‌توانیم به دور از قوانین کلاسیک و مدرن ارتباطات به آن لقب رسانه «برتر» بدهیم. حال این سوال مطرح می‌شود که دوام و بقای یک رسانه برتر در گرو کدام عامل است؟

یکی از عوامل عمده رسانه برتر بودن، در کیفیت بهتر برنامه‌ها نهفته است. که وسیله متصدیان، هدایت کنندگان و مسوولین تکنیکی پیشکش و عرضه می‌گردد. با این اصل تلویزیون نور با زحماتش و عرق ریزی شباروزی جوانان آگاه و مستعد چون: درانه، فیاض، حارث، تمیم و...



نسل جوان امید آینده این مرز و بوم از لحاظ نیروی اندیشه و کار جامعه ما است. توجه ویژه به نیازهای مادی، معنوی و جسمی جوانان، و بویژه تربیه و رشد دادن به همه استعدادهای نهفته آنان و فراهم آوری امکانات پر خور داری از سلامت تن و روان، از وظایف نخستین دولت باید باشد تا جوانان آماده پذیرش مسئولیت خود در جامعه شوند.

به حیات پر بارش ادامه داده و به اساس فرموده مسوولین عنقریب ما شاهد جهانی شدن آن هستیم .  
این جوانان با رسالت مندی ، همیشه در تکاپو اند تا بتوانند با گذشت هر روز برنامه های جالب و دیدنی را به بینندگان نورپیشکش نمایند و اینان اند که تلویزیون نوراز رنگ و رونق بهتر و خوبتر چه از نگاه برنامه ها و چه از لحاظ تخنیکي بهره مند بوده و در بین سایر شبکه های بیرون مرزی از اعتبار و محبوبیت بالایی برخوردار است.  
تلویزیون نوربا برنامه های جالب و دیدنی چون :

TV Programs  
AFSO,,  
AMTV ,,  
Agar Danisteed Baranda ,,  
Asteed  
Chand Sitara,,  
De Adab Ghotay,,  
Dr. Younos Show,,  
Easy Fitness ,,  
Haft Khazana ,,  
Jawanan-e-Emroz,,  
Jawanah ha ,,  
Khorsheed-e-Haqiqat,,  
Lab Khand ,,  
Mashaheer Afghanistan wa ,,  
Jahan  
Murch wah Namak,,

Nedaye Rahmat,  
Rahe Abrashum ..  
Rahian Shair wah Adab,  
Rangeen Kaman ..  
Seven Wonders of the World,  
Superior Health ..  
The Secrets of the Quran,  
TV Magazine,  
Ufeq-e-Benafsh,  
Yak Sabad Gul.

بیشترین بینندگان را به خود اختصاص داده است .

## نقش برنامه دادب غوتی در تلویزیون نور



از ایجاد جوئی که فعالیت های فرهنگی و آفرینندگی و آزادی هنرمندان و نویسندگان را محدود کند، باید بشدت پرهیز شود و تمامی امکانات برای بالندگی و پویایی زبان ، فرهنگ ، هنر ، شعر و ادب فراهم آید. همه باید از ادبانشند که در هر رشته فرهنگی و هنری به آفرینندگی بپردازند و موجبات سرزندگی و شادابی در جامعه را فراهم سازند.

قبل از اینکه گفتنی های در مورد برنامه دیدنی ، ادبی و فرهنگی دادب غوتی و جناب (عاشق فنا) داشته باشیم بهتر است به عنوان پیش گفتار مکتبی مختصر نمایم در مورد شعر. در مورد شعر در نشریه بی فصل نوو هنر و فرهنگ میخوانیم ، تاریخچه ی شعر به عنوان یک هنر ، به پیشترها از قدرت خواندن و نوشتن می رسد و شعر شفاهی اولیه شاید از قافیه ، وزن و دیگر سیستم های قراردادی به عنوان ابزاری برای به خاطر سپردن استفاده می کرده است . به نظر می رسد بسیاری از آثار کهن از ودا ها ( ۵۰۰ - ۲۵۰۰ ) ( Vedas ) قبل از میلاد مسیح ) تا ادیسه ( ۶۰۰ - ۵۰۰ قبل از میلاد مسیح ) به گونه ی شعری ساخته شده اند تا در به یاد آوری آن ها و در جوامع ما قبل تاریخی و کهن به انتقال شفاهی آن ها کمک شود . شعر در بین پیشین ترین سندهای دانش آموخته ترین فرهنگ ها با بخش های شعری یافته شده بر سنگینه های آغازین ، مانند لوح سنگ ها و سنگ قبرهای روون (rune) دیده شده است . از بین کهن ترین شعرهای به جا مانده ، شعرهای گیلگمش (Gilgamesh) از هزاره ی سوم قبل از میلاد در سومر است که به خط میخی بر لوح های رُسین و بعدها بر پاپیروس نگاشته شد . اندیشمندان کهن در جستجوی مشخص نمودن این امر بودند که چه چیز شعر را به عنوان یک فرم ، متمایز می کند و چه چیز شعر خوب را از بد جدا می سازد که این امر در گسترش شعر شناسی یا مطالعه ی زیبایی شناسی شعر بروز نمود . بعضی از جوامع کهن مانند چینی ها به واسطه ی شی بینگ (Shi Jing) یکی از پنج اصل کنفوسیوس گرایبی ، انجمن های آثار شعری را رواج داند که علاوه بر اهمیت زیبایی شناسانه ، جنبه ی تشریفات مذهبی نیز داشت . همین اواخر ، اندیشمندان برای یافتن تعریفی که بتواند دارای تفاوت های قراردادی به خوبی آن هایی که بین افسانه های کانتر

بری چاسر (Chaucer) و Oku no Hosomichi منسوب به باشو است، علاوه بر متن هایی که از شعر مذهبی Tanakh تا شعر عاشقانه ی rap گسترده است باشد، کشف کند. متن و فحوا می تواند برای شعرشناسی و گسترش گونه ها و فرم های شعری بسیار حیاتی باشد. مثلاً، شعر برای ثبت رخدادهای تاریخی در اثرهای حماسی (epics) مانند گیلگمش یا شاهنامه ی فردوسی، لزومن بلند و روایی است در حالی که شعر مورد استفاده برای اهداف آیین نیایشی در سرودهای مذهبی، مزامیر و ... انگار که نوایی الهام بخش دارند، و مرثی و تراژدی ها هم به این نیت اند که کنش های هیجانی درونی ژرفی را بر انگیزند. دیگر متن های شعری، دربردارنده ی موسیقی هستند، مانند سرودهای مذهبی کاتولیک، سخنرانی های رسمی یا سیاسی، نطق ها یا هتاکی های سیاسی، لالایی ها و قافیه بندی های بی معنی و حتا متن های طبی.

شعر، پدیده ای است که با همه افراد جامعه بشري سر و کار دارد و هر يك از این افراد، بنا بر سطح فهم خود و انتظاري که از شعر دارد، می تواند تعریفی برای آن ارائه دهند. بنابراین نمی توان به طور مطلق تعریفی ارائه کرد و گفت که شعر همین است و جز این نیست. عده ای از منتقدان، به اشتباه پنداشته اند آنچه تعریف آنهاست، اصالت دارد و اگر يك اثر با تعریف آنان همخوانی نداشت، آن اثر، شعر نیست.

باید دانست شعر بودن یا نبودن آثار ادبی، وابسته به دیدگاه ما نیست. آثار درخشان شعری، وجود خود را ثابت و حضور خویش را بر فرهنگ ما تحمیل کرده اند و لجاجت در مرزبندی، فقط ما را از زیبایی هایشان محروم خواهد کرد و بس. کسانی که می کوشند شعر بودن یا نبودن همه ی آثار ادبی را با تعریف ساختگی خود مشخص کنند، به آن شخصیت اساطیری یونان قدیم شباهت دارند که مردمان را می زددید، روی تخت خوابی که داشت، می خواباند و می کوشید قد آنان را با تخت خواب تنظیم کند؛ یعنی قد بلندها را سر می برید و قد کوتاه ها را آن قدر می کشید تا به همان اندازه بلند شوند. اینان نیز آثار ادبی را مثله می کنند تا با تعریف دست ساخته ی خودشان برابر شود.

ولی ما در عین حال، نیازمند شناخت شعر هستیم و این ایجاب می کند که بدانیم برای ارزیابی هایمان به سراغ کدام دسته از آثار ادبی برویم و آنها را با چه معیاری بسنجیم. پس اگر تعریفی مطلق هم نیافتیم، باید حداقل تصویر روشنی از شعر در پیش چشم داشته باشیم. تعریف هایی که شفيعی کدکني عنوان کرده است، جامعتر و دقیقتر به نظر می آید. ایشان در پارسی، شعر را چنین تعریف میکند: شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته باشد. با این تعریف، عناصر سازنده ی شعر، عاطفه، خیال، زبان، آهنگ و شکل هستند و کلام برای شعر بودن، باید از همه اینها برخوردار باشد. این تعریف ایشان، ساده و کاربردی است یعنی با آن، به راحتی می توان عناصر شعر را شناخت و آثار شعری را محک زد. شعر خوب آن است که خوب تهییج کرده و خوب فهمیده شود و خوب به حافظه سپرده شود و خوب ترجمه شود و این ایجاد نمی شود مگر این که در گفتن آن شعر اخلاق ساده عالی، حس و هیجان شدید، و سلیقه کافی به کار رفته باشد. چند چیز است که در خوبی شعر دخیل است، ولی اساس خوبی شعر نمی تواند واقع شود؛ یکی موقعیت زمانی و مکانی و روحی، دیگر حالت حاضره شاعر و قیافه و طرز ادای شعر.

گاه می شود که در يك واقعه و حادثه که شما به آن علاقه دارید، از طرف شخصی که شما با او خصوصیت دارید، با قیافه و سیمایی که حالت و موقعیت را برای شما حکایت می کند، شعری برای شما ساخته شده یا خوانده می شود، در حالی که آن شعر فی نفسه خوب نبوده و مزایای اخلاقیه و هیجان صاحبش مطابق با شعرش و متناسب با سخنانش نیست، معذک موقعیت و شاخصیت زمانی و مکانی و شخصی شما را تحریک نموده، آن شعر در نظر شما یا فامیل و همشهری ها یا هموطنان شما خوب جلوه کرده، ولی پس از طی شدن زمان و سپری شدن حالتی که در ما یا ملت ما بوده است، آن شعر فراموش و جزء لاطائلات و ترهات (پایوه ها، بیهوده ها) شمرده می شود. اما دیده می شود که يك شاعر خلیق و بزرگوار، دارای صفاتی که در نزد تمام ملل پسندیده است، در حالتی که احساسات و هیجان روحی او به منتها درجه ی شدت و جوشش رسیده است، شعری می گوید که حاکی از اخلاق و احساسات او است. این شعر قهرآ خوب می شود، هم در زمان خود او و هم در زمان بعد از او، هم در نزد همزبانان او و هم در نزد ملل سایر ... و دیده می شود مزایای صوری که غالب شعرا اشعارشان را با آنها زینت می دهند از قبیل وزن، سجع، اصطلاح، حسن ترکیب، تناسب زمان و مکان و غیره هیچ کدام در خوبی آن شعر دخیل نبوده اند زیرا در زمان دیگر، مکان دیگر و در زبان بیگانه همان قدر آن شعر خوب و جالب توجه است که در زمان و زبان و مکان خود شاعر.

شعر خوب، یعنی احساسات موزونی که از اندیشه ای پرهیجان و از روی اخلاقی عالی برخاسته باشد چه تصور می کنید، وقتی که از شما بپرسند «شعر خوب یعنی چه؟» آیا می توانید فوراً جواب دهید؟ در این باب ادبای عرب و عجم خیلی بحث کرده اند. آنچه بالاخره به ما جواب داده اند این بوده است: شعر خوب آن است که ذوق انسانی آن را انتخاب کند. می توان فهمید شعر خوب چیست، ولی نمی توان دلیل خوبی آن را ذکر کرد، یدرک و لایوصف. ولی آنچه ما می توانیم روی آن بحث کنیم، قدری بالاتر از این مقدار وصف و تحقیقی است که از روی طفره یا قصور فکر برای ما از پدران ادیب و علمای معانی بیان به میراث رسیده است.



ما مي دانيم كه بعضي از صنايع با روح و ذوق انساني ارتباط دارند. يك تابلو قشنگ، يك رنگ آميزي ماهرانه، يك مجسمه بديع، يك گل لطيف معطر و يك دستگاه موسيقي دلربا، به عين مثل يك شعر خوب، بدون اينكه بيننده يا شنونده را به تفكر و استدلال و استنتاج مجبور كند، او را محظوظ نموده، اندیشه يا روح او را حركت داده و در برابر خوبي و خوشي خود خاضعش مي نمايد. ولي اين تاثير و عمل سريع، بدون يك انتظام و قاعده و تحقيق نبوده و بايد آن قاعده و مقياس را به دست آورد.

در اينجا يك بحث عميق سيكولوژي، يك تحقيق روحي و اخلاقي ثابت و منظم دست اندر كار است كه سابقين از آن همه تحقيقات و قاعده ي منظمه فقط به استدرارك و حكيميت ذوق مستمع اقتصار ورزيده و از اين بحث دلچسب طفره رفته اند. با اتكاي بسيار كمتر بر تضاد نثر و شعر، بعضي از تئوري پردازان ادبي قرن بيستم بر شاعر به عنوان كسي كه با استفاده از زبان و شاعري، آن چه را كه شاعر مي آفريند، خلق مي كند، نظر مي كنند. مفهوم بنيادين شاعر به عنوان آفرينشگر، غريب نيست و بعضي شاعران مدرنيست تمايز ويژه اي را بين آفرينش يك شعر با كلمه ها و كنش هاي خلاق ديگر هنرها مثلن فرسبافي قايل نمي شوند. در حالي كه ديگر مدرنيست ها در چالش با كوششي سخت هستند كه شعر را به گونه ي گمراه تعريف كنند كه آرچيبالد مك ليش به گونه اي كنايه در شعر خود با اين سطر ها شعر را معنابي نيايد / كه باشد آورده است.

جستار هاي خرد مدار، وراي تعريف شعر و تمايز آن از ديگر ژانر هاي ادبي به گونه اي گريز ناپذير با بحث بر سر فرم شاعرانه همراه است. رويگرداني از فرم ها و ساختار هاي سنتي براي شعر كه در نيمه ي نخست قرن بيستم آغاز شد با پرسشي همراه بود كه هدف و مفهوم تعريف هاي سنتي شعر چيست و تمايز بين شعر و نثر چيست. بسياري از شاعران مدرنيست، اگر چه نوشته هاي آن ها كلن با سبك شاعرانه همراه بود و اغلب با وزن و آهنگي كه با شيوه هاي نا آهنگين تثبيت مي شد در فرم هاي غير سنتي شعر نوشتند يا اين كه در فرم هايي كه از ديده نگاه سنتي، نثر به شمار مي آمد.

واكنش فرماليسيستي چشمگيري هنگامي كه مكتب هاي مدرنيست بر شكستن ساختار بودند پديد آمد، اين واكنش بيش تر بر بسط ساختار هاي رسمي نو و همنهشتي هايي كه بر اساس احياي فرم ها و ساختار هاي كهن تر قرار داشت. به تازگي، پست مدرنيسم كاملن از مفهوم مك ليش استقبال کرده است و مرز هايي را بين نثر و شعر و ژانر هاي شعر مشخص نموده است كه تنها مانند دست ورز هاي فرهنگي مفهوم دارد. پست مدرنيسم به وراي مدرنيسم مي رود كه بر نقش شاعر تاكيد دارد تا بر نقش خواننده ي يك متن و شبكه ي فرهنگي بيچيده را پر رنگ مي سازد كه از طريق آن يك شعر خوانش مي شود.

اديب عزيز عاشق لونگين فنا پيرامون نشان ادبي و هنري دابد غوتي چنين ميگويند:  
از مدتها به اينطرف آرزو داشتم تا عشق، محبت، اخلاص و علاقه ام را نسبت به هموطنان عزيز و مهربانم و بخصوص دانشمندان عرصه هاي فرهنگي به شكل از اشكال تيارز بدهم. ابراز اين عشق و اخلاص به وطن و وطندارانم تنها از طريق نوشتن اشعار و مضامين براي كافي نبوده و هميشه سعي و تلاش دارم با كار هاي نو و ابتكارات مفيد خدمتي به وطن، مردم و ارزش هاي فرهنگي و هنري كشور انجام بدهم.

ابتكار هنري و ادبي، نشان دابد غوتي يكي از دست آوردهاي من به حساب ميرود كه نمايانگر تلاشهايم در راه خدمت به فرهنگ پر بار افغانستان عزيز بوده و ثبت صفحات زرين تاريخ هنري و ادبي کشور ما خواهد شد.

شكل نشان: نشان مطلا (۳+۳) انچ دايروي شكل بوده كه نوشته و رسم حك شده در آن بارنگ هاي بيرق افغانستان عزيز، سياه، سرخ و سبز مزين گرديده و از سه لسان زنده دنيا پشتو، دري و انگليسي در آن كار گرفته شده است. در قسمت بالاي نشان NOOR TV و به تعقيب آن DE ADAB GHOTAY به چشم ميخورد. در قسمت زيرين نشان اداره هنر و ادبيات و به تعقيب آن هنري اوادبي نشان حك گرديده است.

در قسمت وسط نشان كليشه ي برنامه دابد غوتي تلويزيون نور كه از طرف من (عاشق لونگين فنا) تهيه ميگردد و افتخار اين ابتكار بزرگ را دارم به زيبايي اين نشان مي افزايد.

به طرف راست و چپ نشان سه خوشه گندم كه رنگهاي آن نيز بارنگ بيرق افغانستان عزيز تطابق دارد، اين نشان را زيبا تر ميسازد، يك فيته سبزرنگ كه نشان زندگي، سرسبزي، آرامي و صلح است نيز ضميمه اين نشان است. اهميت نشان:

- 1- براي اولين بار در تاريخ ميهن عزيز، از طرف مردم و براي مردم يك نشان هنري و ادبي تهيه و براي دانشمندان عرصه هاي فرهنگي و كلتوري توزيع ميگردد.
- 2- در شرايطي كه دشمنان آزادي به شكل از اشكال و باتفرقه و نفاق ميخواهند ملت رنجديده ما را از هم دور بسازند اعطاي اين نشان به فرهنگيان ما رسم همدیگر پذير ي ملي را تقويه نموده و از يك جانب باعث رشد استعداد ها

گرديده واز جانب ديگر ماميتوانيم که در زمان حيات شخصيت هاي ادبي و هنري از آنها قدر داني شايسته بعمل بياوريم .

۳- اين نشان کاملاً به ملت عزيز ما تعلق داشته در حيطه تائير هيچگونه ارگان دولتي ، اندیشه هاي سياسي و تشکلات حزبي نميباشد .

۴- اين نشان سمبول وحدت مردمي ، سمبول عشق مردم به مردم و سمبول تقدير نمودن از هموطنان ميباشد .

۵- اهميت اساسي و عمده اين نشان در نقش آينده آن در عرصه هاي خدمات فرهنگي و کلتوري به ميهن و مردم ميهن مانهفته است . در آينده تصميم داريم اين نشان با خود جوايز نقدي نيز همراه داشته باشد و هم بتوانيم زمينه چاپ ، پخش و اشاعه آثار شعرا ، ادبا و هنرمندان بي بضاعت نيز فراهم گردد . که اين خود يک خدمات بزرگ ادبي و فرهنگي خواهد بود که اين نشان انشاءالله انرا تهديد گزاري خواهد نمود .

مصارف پولي نشان : طوري که يادآور شديم اين نشان به هيچ ارگان دولتي ، حزبي و سياسي ارتباط ندارد - همه مصارف تهيه و جوايز نقدي آينده آن از طرف مردم هنر پرور فرهنگ دوست ما تهيه گرديده و خواهد گرديد . هر هموطن قدر شناسي ما که آرزوي کمک پولي به اين نشان و بر نامه دادب غوتي را داشته باشند ميتوانند به ايميل آدرس [A4338F@AOL.COM](mailto:A4338F@AOL.COM) با عاشق فنا مبتکر بر نامه و نشان دادب غوتي در تماس شوند .

درينجا به چند پيامي که از بينندگان تلويزيون نور و بر نامه دادب غوتي به آقاي (عاشق لونگين فنا ) مواصلت نموده اکتفا مينمايم که بينندگان اين شبکه تاچه اندازه از بر نامه هاي ديدني آن راضي و خوشنود اند .

پيام اولي به بر نامه دادب غوتي تلويزيون نور!

صميمانه ترين سلام هاي گرم و وطني ام را پذيرفته منت گذاريد .

تلويزيون نور در طي اين مدت محدود ي که از عمر نشرا تي اش ميگذرد به هر خانه و قلب و طندارانش راه باز نموده

و با گذشت هر روز اين صميميت و محبوبيت بيشترو بيشترو ميگردد . آنچه که تلويزيون نور را از ديگرو سايل صوتي

و تصويري متمايز ميگرداند ، بر نامه هاي ريالستي و ژورنالستيکي اين تلويزيون است و از جانب ديگر خوشبختانه مجال

نيافتن تخريبگري و تناقض گويي و رنگ و جفنگ از ديگر معيار هاي معقول و عام پسند اين دستگاه نشرا تي است .

اميدواريم که اين سياست عالي و پاليسي انساني ادامه يافته و تلويزيون نور بتواند در راه خدمت به فرهنگيان هموطنش جاي و مقام ارز شمند را بيش تر از گذشته کسب و به تر بيون گويابي افغانان مبدل گردد . و اين کار هدفمند دور از تصور براي دست اندر کاران تلويزيون نور نيست . من به مثابه يک افغان روشن فکر به شما اطمينان ميدهم با حوصله مندي و خلاقيت به پيش برويد آينده از آن شما خواهد بود و درين بازار جنگ و جفنگ سرفراز و سرحر و بيرون خواهي شد . آينده از شما باد - ياهو

پيام دومي به بر نامه داد ب غوتي تلويزيون نور

(آمي اي دوست! تا در اين هرم نفس گير ، جاودانه هاي زندگي را معنا و خيال هاي انساني را سرانجام ببخشي .

سلام هاي گرم و پر حرارت ام به گرمي حيات بخش و رخشنده گي شعاع جاودانه و ماندگار

نور ي آفتاب به بر نامه (دادب غوتي) و خدمت جناب بزرگوار و دانشمند عزيز ( فنا ) ي گرمي و تلويزيون نور نثار باد !

صميمانه ترين سلام و پيام اين حقير و دنياي سپاس و جهان اخلاص را به شما و از طريق شما به بينندگان روز افزون تان

و مسوولين با شرافت و نجابت تلويزيون نور تقديم نموده تمنا دارم که تلويزيون نور ، چون نوري هميشه جاودانه ي آفتاب

جهان تاب به حيات پر بار و غرور مندش ادامه داده و اين رسانه ي رسانه ها باز هم بتواند درد مظلوم ترين قشر جامعه

افغاني که نه زر دار ندونه زور ، نه دست ستيز دارند و نه پاي گريز ، نه شرمي خواهند و نه غير و نه توان جنگ دارند و نه

شمشير و تفنگ ، انعکاس داده و زبان گويابي شود به قشر مظلوم و محکوم روشن فکر کشور که مدت ها است درد جانگدازي

اوضاع آشفته و در هم و بر هم ميهن و غربت و بي وطني سردوساکت اش نموده است .

خوشبختانه تلويزيون نور طي کوتاه مدتي که از حيات پر بار نشرا تي اش سپري ميگردد توانسته است با خرد مندي و تعقول

عالي مسوولين اين دستگاه صوتي و تصويري جايگاه ويژه خوبشرا در قلوب بينندگانش پيدا و آنانيکه علاقه به شونيدن

و ديدن بازار رنگ و اتهام و جفنگ ندارند ، توانستند ساعتها پاي نشرا تي اين تلويزيون بنشينند و از بر نامه هاي زيبايي آن

لذت ببرند .

نميگويم که تلويزيون نور مشکلات و معضلات نشرا تي و تخنيکي ندارد ولي از هيت رهبري آن صميمانه و مصميمانه تمنا

داريم در بهبود نشرا تي نور بيش تر از گذشته به تلا شها ي خويش ادامه داده و پرابلم هارا يکي از يي ديگري بر طرف ساخته

و تا نور بتواند باز هم از دريچه حقيقت و واقعيت نور افشاني نمايد و فاصله هارا با علاقمندان بر دارد .

خوشبختانه تراينست ، تا جايکه ديده شد نور با قاطعيت و متانت بر ضد اند پشه ي منفي ، (پشتو ستيزي و دري گريزي

) مخالف بوده و تا اکنون اين پديده شوم نتوانسته غباري تعصب و تنگ نظري را بروي دريچه ي نور بگستراند . اميدواريم

که اين تفکر ارز شمند ادامه پيدانمايد .

از جانب ديگر نوره ته مويل كنده بيروني دارد و نه هدايت دهنده دروني و آنچه كه هيت رهبري تصميم ميگيرد همان است كه پخش و نشر ميشود .  
 نوره بكسي دشنام ميدهد و نه دشنام دهنده اي در نور راه پيدا مينمايد .  
 نوره رنگ تملق ميخواهد و نه اتمام ، جفنگ و دروغ .  
 بلي دوستان گرامي !  
 خود را باور كنيد تا خود را زيبا ببينيد . مطمئن باشيد كه انسانهاي ديگر در شما آنرا مي بينند كه شما در خود مي بينيد .  
 اگر مي خواهيد متوجه شويد كه ديگران چه احساسی نسبت به شما دارند كافيست كه ببينيد شما چه احساسی نسبت به خودتان داريد و مطمئن باشيد كه ديگران هم همین احساس را نسبت به شما خواهند داشت .  
 مشكلات، سنگ وجود آدمی را صيفل و جلا می دهد و روح انسان و ظرفيت آدمی را بالا می برد به گونه ای كه انسانهای بزرگ و موفق کسانی هستند كه بيشتر از همه با مسائل و مشكلات كار و زندگي مواجه بوده اند و آنها را حل کرده و موفق شده اند .  
 انسانهایی كه زيبا و اميدوارانه می انديشند سلامت می مانند . انسانهایی كه منفي و مايوسانه می انديشند ، نه تنها در بسياری از عرصه های زندگي ناکام می مانند بلکه از نظر سلامتی هم مشكل خواهند داشت. دنياي يك انسان دنياي اندیشه های اوست و زندگي تجسم امواج اندیشه های يك انسان در دنياي واقعيتهاست... آری بهروزي وسربلندي تو در گرو لحظه لحظه های كيفيت اندیشه های توست . با دروهای گرم .  
 پيام سومي به برنامه دادب غوتي تلويزيون نور  
 (لطفاً پيام سومي را بعد از بزرگ نمودن مطالعه فرمايد .)


در طلب معنوی سفرگردان اند  
 هر چه تندرستی گردان چرخه بار  
 پدید آید ز نور خورشید  
 بی خاوم بیشتر از آن نورانم و بی گداز گشتن بگردانم  
 هر چه زریان و گشتار تو در گشته بودم «نور» مرا بآیات داد  
 آرزوی دل نگرم که بپراه رحمت خدا بر میروم و دست کسرا  
 بر این نام نیک مستحق گردم تا با برهانی که حکایت نام تو خوشتر است  
 که در لعلهای آفتاب صافه ای از جمله عاشقان الهی درخشید و در کوشش  
 عقل از زبان آفتاب نشاند ۱۰۰۰ دگرگند که عاشق خدای... در آفتاب  
 برایت گفتم به حق باش! اگر دلتا، خاوم در عشق الهی باقی نشو  
 تو راه نثار باشی بزرگ  
 امیدوارم من ، مکان ۱۰۰م شهر الهی بر تو بخون  
 بزودت ۳ شهریور ۱۳۸۰-۲۰۰۸ هجری قمری

عاشق الله، فنا

در نظرگاه خیال تصویر بی از عجبی نور تر صورت گزیند  
 که تلمه تو نام منی تواند آن را بر تو ترقی صورت بخشد در کالیسمانی  
 که سوز دارد آن نام کرمیت است هر را چه کرده و بر تنم نمونی آفتاب  
 ترشید کند که مستلیم نگار خانه پیدایش که بگناه باشد... زمر آشت  
 پیراه همه هستی که صورت بخش هو خلوات در عالم کرمیت است که  
 خدای لایزال آن را در زوره زوره کائنات خلق کرده و من رو  
 و هر سو خوی از روزی بیاییش تا روز « فنا » به دنبال آن سفر کرده  
 بوده و می باشد... اگر چه باره ما که می بینیم در در راه سوز آرزوی آن  
 در معنای آن تنبیه شد... بنویسم چون نوح و عکر که بر هم قصد نام  
 خواهد آمد... ای حال که که تنها بیکه که اگر نه با چینی موجودات  
 از مشرق و معال حقیقتی که عقل بشیر از رکش آری ما جوامع به دور  
 هست تو دی بر خنده چون ابراهیم خلیل اگر آستان خلق کنی  
 ستاره گان درخشانی را می بینم که عاشقان و مشتاقان دور چو خورشید

Notes

۱۳۰۸ هجری قمری عاشق الله فنا  
 سحر است زلالی تر از زلالی در چشم دور آفتاب  
 در حوض ترسناک لغت بی باغ عبد الله انور  
 تلمه ای خوش تر از آفتاب تو نور نامت نوح خورم  
 تو را با لایزال زمانه می بینم : که از نوح به جانان گاه  
 شوه سرور که در کوشش روزگار ۱۳۰۰ هجری قمری  
 را با هوای من (لا حول الا الله) از لعل در لعل  
 گریه از آفتاب که در دست خورده کردی  
 چراغ به شفت باغ بیخیز خورشید و خورشید  
 در روز نوره هم عالم رو کند  
 در مقام لا ضالی العالی  
 خورشید در سینه  
 خورشید با آفتاب و عقیه در عالم  
 کنونی که در روزی بی باغی سحر آینه خورشیدی



یکی دیگر از شهکاري هاي تلویزيون نور تاسیس اداره هنر و ادبیات میباشد ، که بخاطر قدر دانی از فرهنگیان و دانشمندان کشور توزیع نشانهایی بنام «دادب غوتي» به ابتکار و خردمندی دانشمند گرامی (عاشق لونگین فنا) مدتی است به این کار سترگ مبادرت نموده است .  
 ما اخیراً شاهد و بیننده برنامه دادب غوتي به ابتکار و تلاش خستگی ناپذیر وطن دوست عزیز ، دانشمند والا مقام و ادیب بزرگ آقای (عاشق لونگین فنا) از طریق تلویزيون نور بودیم . آقای فنا در یک ابتکاری سابقه و خلاق اداره ي را تحت نام اداره هنر و ادبیات و برنامه دادب غوتي را بخاطر ارجگذاري از فرهنگیان وطن فعال و مبتکرانه تر اینکه توزیع نشانهایی طلانی و تقدیر نامه هاي را نیز در این برنامه راه اندازی و تعداد از فرهنگیان کشور را با این اقدام بی مانند و بی سابقه اش مورد تقدیر و تمجید قرار داده اند .  
 این برنامه تلویزيونی تاکنون مورد پذیرش و استقبال بی مانندی روشنفکران ، فرهنگیان و بینندگان تلویزيون نور قرار گرفته است ، در اثر تقاضای هموطنان گرامی و معرفی بیشتر این برنامه گفتگویی مختصر داریم با متصدی ، گوینده و مبتکر این برنامه جناب فنا که توجه شمارا به آن معطوف میداریم :

<- دانشمند گرامي جناب فنا اگر لطف نموده خود را بیشتر به خوانندگان ،شنویندگان و بینندگان معرفی نماید ؟  
 = من پسر دوم (محمد جان فنا صافي) شاعر ، نویسنده ، رسام ، خطاط سرشناس و چیره دست افغانستان هستم ، در کابل تولد و بعد از ختم دوره مکتب در لیسه نادریه وقت شامل فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل گزیدم (۱۹۸۴-  
 ۱۹۸۷) در سال ۱۹۸۷ به پاکستان و در سال ۱۹۸۹ به آمریکا مهاجرت نمودم و سه فرزند نازنین دارم ، متین اباسین فنا –  
 صدف موسکا فنا – ومصطفی سیاوون فنا که در ایالت کالیفرنیا زندگی دارم. از فعالیت های فرهنگی و کلتوری من که  
 یگانه مصروفیت ، سرگرمی و علاقه بی پایانم در دیار مهاجرت است باید به موارد ذیل اشاره نمایم: زیر دست داشتن سه  
 مجموعه شعری ام ۱- (داباسین موسکا مجموعه اشعار پشتو)  
 ۲- (ستاره های سبز مجموعه اشعار دری) ۳- (MY BEAUTIFUL SUN) مجموعه پارچه های انگلیسی. اشتراک  
 در محافل کلتوری و ادبی افغانها. تهیه ، ترتیب و گویندگی برنامه دادب غوتی در تلویزیون نور.  
 <- چه باعث ابتکار این برنامه شد؟

= برنامه دادب غوتی به اساس یک ضرورت و نیاز مندی ملی و اجتماعی بوجود آمده. از دیر زمانی متوجه خلا در زندگی  
 اجتماعی و کلتوری مردم خود شده بودم که آن عبارت از نبودن یک روزه امید جهت رشد استعداد های جوان از یکطرف  
 و احساس افغان گریزی در محیط مهاجرت و از طرف دیگر از هم پاشی وحدت ملی و رجوع به فرهنگ بیگانه مرا و اداسیت  
 تا پروگرام داشته باشم ادبی و هنری برای افغانهای وطن دوست و فرهنگ پرور ، تاباشد برای جوانان زمینه رشد فرهنگی  
 و تبارز شخصیت مساعد گردد. و نیز بتوانیم از شخصیت های عرصه فرهنگ و هنر در زمان حیات پر بارشان تقدیر و تجلیل  
 بعمل آوریم. به همین منظور پروگرام دادب غوتی را ایجاد نمودم که چراغی باشد ادبی و هنری و خورشیدی باشد  
 در وحدت ملی ما.

<- معیار های که باعث تفویض نشانهای دادب غوتی میشود چه است؟  
 من عاشق افغان نازنین خود هستم ، همیشه هموطنان خود را بهتر ، بلند تر ، بادانشر و مستحق احترام بیشتر میدانم. خواستم  
 در برنامه دادب غوتی این احساس خود را تبارز بدهم به همین منظور نشان طلایی هنری و ادبی (دادب غوتی) را به کمک  
 پولی چند دوست دانشمند و ادب پرور عملی ساختم. تاباشد برگ سبز گویا به منظور خدمات فرهنگی دانشمندان گرامي  
 و معرفی چهره های مبتکر و خلاق جوانان ، دین ملی و فرهنگی خود را در برابر ملت سرافرازه انجام رسانده باشم. در قدم  
 بعدی تفویض نشان ها با خود جوایز نقدی نیز خواهد داشت ، معیار ها و مقیاسهای بیشتر و مشکلتری را در نظر خواهم گرفت.  
 ( درین مورد در بالا توضیحات مفصل تری ارایه داده ام).

<- تعداد زیادی از علاقمندان و بینندگان تلویزیون جالب و دیدنی نور میخوانند بدانند که تلویزیون شما طی این مدت کوتاه  
 که از عمر پربار نشراتی اش میگذرد مورد توجه و علاقمندی فراوان از هموطنان قرار گرفته و شما به مثابه عضو هیئت  
 رهبری و متصدی برنامه دادب غوتی تلویزیون نور این موفقیت را در چه میبینید ؟  
 = تلویزیون نور رسانه نو تاسیس است که از عمر نشراتی آن مدت کوتاهی سپری میگرد و وسیله فرهنگیان و بخصوص  
 جوانان اداره و مدیریت میشود. استفاده از همکاری دانشمندان مجرب از یکطرف و تحقق تبارز اندیشه های نو جوان  
 از طرف دیگر دلیل خوبی برای پیروزی های چشمگیر تلویزیون نور در این کوتاه مدت محسوب میشود. تبارز اندیشه های  
 سالم و مثبت اجتماعی همیشه دست آوردهای بهتر و مثبت میباشد. افکار کهنه ، تعصبات قومی ، مذهبی و لسانی  
 در تلویزیون نور جاندارد. داشتن یک جهان بینی مثبت و سالم ، افغانستان و افغان بینی درست و سالم محور اصلی پروگرام  
 دادب غوتی و تلویزیون نور را بصورت عمومی تشکیل میدهد.

<- شمادریکی از برنامه های تلویزیونی تان سخن خیلی جالب و شنیدنی را به بینندگان مژده دادید که تلویزیون نور نه به  
 کسی دشنام میدهد و اتهام میبیند و نه دشنام دهنده و دسیه گری در تلویزیون نور مجال تفرقه اندازی و توطیه چینی را بین  
 افغانان پیدا میکند. سوال اینجا است آیا یکی از موفقیت های بزرگ این رسانه صوتی و تصویری درین هدف شریفانه  
 و وطنپرستانه ی رهبری تلویزیون نور نیست که باعث محبوبیت روز افزونش گردیده است؟  
 = طوریکه قبلاً نیز اشاره شد افکار کهنه در تلویزیون نور راه ندارد. نور تلویزیون مردم افغانستان است. نور در یک رقابت  
 مثبت ، سالم ، منطقی و دوستانه با تلویزیون های دیگر افغانی روبرو است. وقتی تلویزیون از مردم و رسانه مردمی باشد  
 پس نمیتواند به خود دشنام و توهین نماید. نور از منافع ملی افغانستان و افغانها ، از آزادی و ترقی افغانستان ، از رفاه  
 اجتماعی مردم افغانستان و از حقوق اجتماعی مردم افغانستان بطور قاطع دفاع خواهد نمود. نوبه مثبت می اندیشد و نه به  
 منفی.

<- و همچنان شما باصراحت ابراز داشتید که تلویزیون نور نه تمویل کننده بیرونی و نه هدایت دهنده درونی دارد ، بینندگان  
 نور علاقه دارند درین مورد بیشتر از شما بشنوند ؟

یگانه تمویل کننده تلویزیون نور مردم افغانستان است و بس. نور باتدویر جلسات عمومی برنامه سازان و اداره کنندگان  
 از قبیل اداره هنر و ادبیات ، اداره امور شرعی و دینی ... خود مشاور اصلی پروگرام های خود میباشد. طوریکه گفتیم

نوروسيله جوانان اداره ميشود . از يك جانب توجه ميكند كه از ميراث كلتوري غني خود حفاظت و نمايندگي كند و از جانب ديگر نسل جوانيكه در خارج از كشور دور از اين ميراث غني كلتوري در محيط و شرايط جداگانه بزرگ شده اند دوراين محور (تلويزيون نور) حلقه زده همه بطور دسته جمعي به وطن و مردم خود مصدر خدمات ارزنده شوند .  
 -> اگر لطف نموده در مورد مرام نشراتي ، هيت رهبري و بودجه تلويزيون نور معلومات بدهيد ممنون ميشويم ؟  
 = زيادترين عوايد تلويزيون نور را اعلانات تشكيل ميدهد و دوفيد از عايدات نور را حق العضويت هموطنان ما تشكيل ميدهد . متاسفانه تاهنوز بودجه ماهانه تلويزيون نور همراه منفي بوده و مصارف بر عايدات گراني ميكند .  
 نوره به كمك مالي هموطنانش نياز شديد دارد .

-> اياتصميمي در جهاني شدن نور وجود دارد؟! اگر جواب مثبت است ، چه زماني ؟  
 به توكل الله (ج) در ماه فبروري سال ۲۰۰۸ تلويزيون نور جهاني خواهد شد .  
 -> آقاي فنا ! در مورد خدمات فرهنگي گذشته و اين وب سايت <http://www.fanasafi.com> خواهان توضيح بيشتري هستيم ؟

سايت [www.fanasafi.com](http://www.fanasafi.com) دوباره توسط جوان با استعداد SHAMIL-S پروگرام ميشود و واقعاً يك خدمت كلتوري بحساب ميروند . پدربزرگوارم محمدجان فنا صافي كه حتا از خون و جان خود بخاطر دين ، مردم و وطن گذشت يك شاعر و اديب بود . خواستيم از طريق اين سايت اينترنتي آثار و دست آوردهاي او را به ملت افغانستان پيشکش نمايم . درين سايت دوستان ميتوانند از اشعار ، نوشته ها ، خطاطي ها و عكس هاي فنا صافي استفاده كنند .  
 -> چه تصميم هاي بخاطر رشد فرهنگ و ادبيات كشور در اينده داريد؟  
 يكي از خوابها و آرزو هايما اينست كه به كمك خداوند بزرگ مركز فرهنگي ايجاد كنم بنام .  
 ( چراغ معرفت - ديوهي ديوه - LIGHT OF KNOWLEDGE )  
 از اهداف عمده و اساسي اين مركز كلتوري :

- ۱- ايجاد چاپخانه هاي ملي و مردمی در چند ولايت افغانستان .
- ۲- ايجاد سالونهاي كتاب خواني و كتابفروشي .
- ۳- جمع آوري آثار چاپ نا شده افغانها و چاپ و تكثر اين آثار .
- ۴- طبع ، نشر و پخش آثار هنري و ادبي هنرمندان و اديبان بي بضاعت بصورت مجاني و رایگان .
- ۵- تهيه بي مدال كلتوري بنام چراغ معرفت . خبراين مژده وطني قبالاً از طريق برنامه دادب غوتي به آگاهي هم ميهنان رسانده شده كه مورد استقبال شاياني هموطنانم قرار گرفته است .

تاكنون دوستان زيادي بصورت انفرادي حاضر شده اند كه جايداد و مالكيتهاي شخصي خويش را در اختيار مركز كلتوري چراغ معرفت قرار بدهند از جمله محترمه «سيمين رمزي دانشاني» آماده است كه زمين شخصي اش را واقع عبدل آباد متصل سنديوم ورزشي شهر هرات به مركز كلتوري چراغ معرفت اهدا ، و همچنان دوست ديگر ما تعميرهاي شخصي اش را در شهر كابل و صفحات شمال كشور غرض استفاده بدسترس مركز كلتوري چراغ معرفت گذاشته اند و من از اين اقدام دوستان قلباً سپاسگزار مي نمايم .

بحث و بررسي بخاطر كار بهتر و خدمات ارزنده در مورد پيشبرد مركز كلتوري چراغ معرفت جريان دارد .  
 همچنان از هموطنان گرامي صميمانه و دوستانه تمنا دارم غرض سهم گيري مثبت و اشتراك در اين مركز فرهنگي به اين ايميل آدرس [A4338F@AOL.COM](mailto:A4338F@AOL.COM) تماس بگيرند .

-> در اخير گفتني ها ، تقاضاها و توقع شما از روشنفكران و فرهنگيان در داخل و خارج از كشور چه است ؟  
 ما مردم هستيم زجر كشيده و وطني داريم عقب مانده . زمان برچه و تفنگ سيري شده است . زمان قلم و دانش است .  
 وظيفه روشنفكران وطن است تا جايكه امكان دارد زمام امور را شريفانه و صادقانه بدست گيرند . ملت و وطن را از اين بدبختي و فاجعه نجات بدهند . قضاياي كشور را باديد ملي و انساني بررسي نمايند . خداوند را حاضر و ناظر امور دانسته و جيبه و دين شانرا در قبال مردم مصيبت كشيده و بيچاره افغانستان به انجام برسانند .  
 با درودهاي گرم (عاشق لونگين فنا) .